

A new possibility to write about the community for the community: the presence of social science faculty members in social networks

Hamed. Taheri Kia^{1*} 

¹ Assistant Professor, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: kia.erhut@iscs.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Taheri Kia, H. (2024). A new possibility to write about the community for the community: the presence of social science faculty members in social networks. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 30(1), 1-18.



© 2024 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

The issue of writing should be considered as a historical situation that has made it possible to produce and record knowledge and information. The position of writing is dependent on the tools that enable ideas to transform into the materiality of the writing. Therefore, with the change of writing tools, the possibilities of creating ideas and producing knowledge, along with publishing tools, have also changed. Therefore, the main goal of the article is to clarify the function of and the sharing of writing in the digital situation by the social science faculty members. For the social science professor, the position of writing is the most important and main position of knowledge production for a social scientist. The position of writing about the community for the community, in social networks, what new positions has it activated? To answer this question, an in-depth interview was conducted with 6 social scientists who are faculty members, and the data were coded in MAXQDA software. Based on the obtained results, the position of writing in social networks has led to rapid writing in the face of the rhythm of the movement of forces shaping the space-time of the current situation and creating an imagination of it. The rapid writing is to generate information and create propositional knowledge about the issues of the present time. The rapid writing is related to the contemporary living characteristic of the social scientist, where knowledge and information flows affect each other.

Keywords: Writing, social sciences, social networks, virtual space, university.



امکانی تازه برای نوشتن دربارهٔ اجتماع برای اجتماع: حضور اساتید علوم اجتماعی دانشگاه در شبکه‌های اجتماعی

حامد طاهری کیا^۱

۱. استادیار، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: Kia.erhut@iscs.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

طاهری کیا، حامد. (۱۴۰۳). امکانی تازه برای نوشتن دربارهٔ اجتماع برای اجتماع: حضور اساتید علوم اجتماعی دانشگاه در شبکه‌های اجتماعی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۳۰(۱)، ۱۸-۱.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مسئله نوشتن را باید به مثابه موقعیتی تاریخی دانست که امکان تولید، ثبت و ضبط دانش و اطلاعات را فراهم آورده است. موقعیت نوشتن وابسته به ابزارهایی است که شرایط تبدیل ایده‌ها به نوشتار مادی را ممکن می‌کنند. بنابراین، با تغییر ابزارهای نوشتن امکان‌های خلق ایده‌ها و تولید نظام‌های دانش هم متحول شده است و البته ابزارهای نشر را هم باید به آن اضافه کرد. از این رو، هدف اصلی مقاله شناخت کارکرد موقعیت نوشتن و اشتراک نوشتار در وضعیت دیجیتال توسط استاد علوم اجتماعی است. موقعیت نوشتن برای استاد علوم اجتماعی مهم‌ترین و اصلی‌ترین موقعیت تولید دانش است. اما موقعیت نوشتن دربارهٔ اجتماع برای اجتماع، در شبکه‌های اجتماعی مجازی، چه موقعیت‌های جدیدی را فعال کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش با ۶ نفر از استادان علوم اجتماعی عضو هیئت‌علمی دانشگاه مصاحبه عمیق به عمل آمد و داده‌ها در نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری شدند. بر اساس نتایج به دست آمده، موقعیت نوشتن در شبکه‌های اجتماعی به نوشتن سریع در رویارویی با ریتم جریان حرکت نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان وضعیت اکنون و ایجاد تجسمی از آن منجر شده است. نوشتن سریع برای تولید اطلاعات و ایجاد دانش گزاره‌ای و پیشنهادی دربارهٔ چرایی‌های وضعیت اکنون است. نوشتن سریع در پیوند با ویژگی زیستن معاصر استاد علوم اجتماعی است که دانش و جریان اطلاعات بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

کلیدواژگان: نوشتن، علوم اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، دانشگاه.

مقدمه

در طول تاریخ مدرن میدان علوم اجتماعی، همواره، شیوه‌های معرفت‌شناختی و نظریه‌ها و مفاهیم گوناگونی برای تبیین وضعیت موجود به وجود آمده‌اند که تمامی آن‌ها نشان‌دهنده پیوند میدان علوم اجتماعی با زندگی اجتماعی و تغییرات فرهنگی بوده‌اند. آنچه سبب تغییر در میدان علوم اجتماعی شده است برآمده از تنیدگی میدان علوم اجتماعی با جریان‌های تحول زندگی روزمره است و این ویژگی مایه پویایی و حرکت در میدان علوم اجتماعی شده است. از آنجایی که دانش علوم اجتماعی درباره زندگی اجتماعی و نیروهای شکل‌دهنده آن است تولید متن و نوشتن درباره ماهیت و موقعیت‌های زندگی اجتماعی، با رویکردهای مختلف، موجب شده است تا نوشتن به‌مثابه مهم‌ترین امکان تولید و نشر اندیشه در میدان علوم اجتماعی کارکرد پیدا کند.

نوشتن در میدان علوم اجتماعی مبتنی بر آنچه در فلسفه علم و متأسی از علوم طبیعی بحث می‌شود باید دارای اعتبارهای علمی باشد و با دانشگاهی شدن علوم اجتماعی دانشگاه به سامانه‌ای برای حفظ و پرورش ویژگی‌های علمی میدان علوم اجتماعی تبدیل شد. دانشگاه سامانه قدرت است که اساتید در آن درجه‌های علمی و ارتقا می‌گیرند و دانشجویان را پرورش می‌دهند و رساله‌های دانشجویان ارزیابی و کیفیت‌سنجی می‌شوند و شرایط فارغ از تحصیل شدن آن‌ها در مقام استاد علوم اجتماعی را فراهم می‌کنند. دانشگاه تبدیل به سامانه‌ای برای نشر معتبر نظریه‌ها و پژوهش‌های علوم اجتماعی می‌شود.

از این‌رو، استاد علوم اجتماعی باید به شکلی بنویسد که برای او اعتبارهای علمی به وجود آورد و این سبب قوت گرفتن سیطره سامانه اعتبار بخش علمی دانشگاه بر روی موقعیت‌های استادی در میدان علوم اجتماعی می‌شود و باید پرسید که استاد علوم اجتماعی چه امکان دیگری را برای نوشتن درباره اجتماع دارد؟ و از همه مهم‌تر اینکه چطور استاد علوم اجتماعی می‌تواند نوشتن درباره اجتماع را با خود اجتماع در میان بگذارد؟ پاسخ به این دو پرسش ما را با وضعیت هستی‌شناختی موقعیت استادی دانشگاه در میدان علوم اجتماعی رویارو می‌کند.

بیان مسئله

در دانشگاه وقتی یک داوطلب می‌خواهد وارد دوره جذب هیئت‌علمی شود باید توسط اساتید دیگری که موقعیت هیئت‌علمی را در دانشگاه اشغال کرده‌اند صلاحیت علمی‌اش بررسی و تأیید گردد. صلاحیت داشتن علمی یعنی نوشتارهایی از داوطلب به دست آید که اعتبارهای علمی لازم را طی کرده باشند و برای این منظور مقاله‌های علمی پژوهشی شاخصی مهم به حساب می‌آیند. داشتن صلاحیت علمی درباره توانمندی برای تولید شکلی از نوشتار است که مبتنی بر قضاوت استادان علوم اجتماعی درجه اعتبار را در رعایت معیارهای روش پژوهش در تولید متن علمی به دست آورده باشد. بنابراین، برای ورود به میدان علوم اجتماعی باید توانمند و صاحب نوشتارهایی بود که آن‌ها از سوی دیگر استادان میدان علوم اجتماعی اعتبار لازم را کسب کرده باشند.

بدین‌سان، شکلی از ضرورت برای نیروهای میدان علوم اجتماعی به وجود می‌آید که باید بتوانند در قالب‌های مقاله، پایان‌نامه، و کتاب نوشتارهای علمی و معتبر را تولید کنند. ضرورت تولید متن معتبر علمی موجب شده است تا قالبی مسلط از نوشتار برای استاد علمی شکل بگیرد که دانشگاه و موقعیت‌های استادی و دانشجویی خاستگاه اصلی شکل‌گیری و نشر چنین نوشتارهایی هستند. نوشتارهای علمی دارای شدتی از مفاهیم نظری و روش‌های پژوهش کیفی و کمی هستند که زبان تخصصی علوم اجتماعی را به وجود آورده‌اند. دریافت کنندگان زبان تخصصی علوم اجتماعی افرادی هستند که در دانشگاه تربیت شده‌اند یا در آن مستقرند.

بنابراین، چه امکانی برای تولید نوشتار در میدان علوم اجتماعی باقی می‌ماند که خارج از سامانه دانشگاه کارکرد پیدا می‌کند؟ ویژگی‌های آن چیست و چه نسبتی را با دریافت‌کننده عام ایجاد می‌کند؟ در اینجا قالب‌های جدیدی برای تولید نوشتار به‌طور تاریخی در میدان علوم

اجتماعی پدید آمدند که نوشتن برای نشریات و ترجمه تبدیل به دو شیوه‌ای متفاوت برای خلق موقعیت‌های نوشتن در برابر نوشتار دانشگاهی شدند. در تاریخ ایران پس‌انقلابی و با ورود به دههٔ هفتاد شمسی دو مجلهٔ «کیان» در عرصهٔ تألیف متن و «ارغنون» در عرصهٔ ترجمه از مجلات بسیار تأثیرگذاری غیر آکادمی بودند که موقعیت‌های متفاوت نوشتن را خارج از سامانهٔ دانشگاه فراهم آوردند. اما این نشریات همچنان محدودیت‌هایی داشتند از جمله اینکه باید خریداری می‌شدند و تا زمان محدودی بر روی کیوسک‌های روزنامه‌فروشی بودند و پس از آن دسترسی به آن‌ها سخت بود.

مردم برای دسترسی مستقیم به آراء و ایده‌های استاد علوم اجتماعی باید نشریات را خریداری می‌کردند و در میان دیگر مطالب نشریات به دنبال ستون‌هایی با نشر مطالب جامعه‌شناسانه می‌گشتند یا در بین عمل ورق زدن صفحات به‌طور اتفاقی با آن‌ها برخورد می‌کردند. بین نوشتار استاد علوم اجتماعی و مردم همواره فاصله وجود داشته است و حتی واسطه‌ای مانند نشریات نمی‌توانست نوشتارهای استاد علوم اجتماعی را دربارهٔ زندگی اجتماعی به‌طور وسیع و به‌روز شده به دست اجتماع برساند.

پس، آنچه استاد علوم اجتماعی دربارهٔ اجتماع و زندگی اجتماعی می‌اندیشید به نوشتاری درآمده است که: ۱. جنبهٔ تخصصی با دریافت‌کنندگان محدود و حرفه‌ای داشته است؛ ۲. جنبهٔ عمومی داشته و در نشریات به چاپ می‌رسیده اما همچنان نوشتار عمومی استاد علوم اجتماعی در محدودیت‌ها و ظرفیت‌های نشریات قابل دسترسی بوده است؛ ۳. شکلی از نوشتار که حالت ترجمه داشته است. در مورد آخری نوشتار ترجمه‌ای موقعیتی برای ورود ایده‌های جدید از جایی به‌جای دیگر است که گویی نظریه‌ها سفر می‌کنند (Said, 2000). فارغ از سفر نظریه‌ها و نقدهایی که به کارکرد آن در جامعهٔ ایران وارد شده است (Kazemi, 2021b) این نظریه‌ها در قالب نشریات روشنفکری مانند «ارغنون» با اینکه خارج از چرخهٔ دانشگاه کارشده‌اند اما همچنان دریافت‌کنندگان حرفه‌ای و ویژه‌ای را طلب می‌کنند. در نتیجه، امکان تولید موقعیتی جدید و متفاوت برای نوشتن دربارهٔ اجتماع برای اجتماع، به‌طور سریع و با دسترس پذیری بالا، دور از انتظار به نظر می‌رسید.

با ورود به دورهٔ دیجیتال نظام اطلاعاتی و «بزارهای محاسباتی دیجیتال» (Mitcham, 2004) و ارتباطی جدیدی پدید آمد که موقعیت‌های فرستندهٔ اطلاعات و گیرندهٔ آن شکل گرفتند. امکان‌های فرستندگی و گیرندگی به‌واسطهٔ تکنولوژی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری حاصل شد و مفهوم «فرهنگ الگوریتمی» (Kushner, 2013) را به‌مثابهٔ چرخشی در ایجاد ارزش‌های ارتباطی تولید کرد (Uricchio, 2011). در وضعیت دیجیتال و دوران جامعهٔ اطلاعاتی موقعیت‌های مختلف به اطلاعات تبدیل می‌شوند یا موجودیت اطلاعاتی پیدا می‌کنند. اطلاعات دارای قالب‌های مختلفی است که بارزترین آن‌ها شامل تصاویر، نوشتار، صوت، و ویدئو هستند. برای مثال، ما با تلفن‌های همراه که مجموعه‌ای از سخت‌افزار و نرم‌افزار است می‌توانیم جهان پیرامون و رخدادهای آن را به اطلاعات تبدیل و مخابره کنیم. از این‌رو، زیست دیجیتال به‌مثابهٔ زیست اطلاعاتی جزئی از ماهیت فرهنگ و زندگی اجتماعی معاصر است که زیست علمی و فرهنگی استاد علوم اجتماعی را هم در برمی‌گیرد. پس پرسش اصلی ما این است که برای استاد علوم اجتماعی نوشتن از زندگی اجتماعی برای اجتماع، در شبکه‌های اجتماعی، چه موقعیت‌هایی را فعال کرده است؟

بررسی پیشینه پژوهش

در ادبیات پژوهشی خارجی گریسیون و همکاران (Greeson et al., 2018) به نقش توثیق کردن برای پر رنگ کردن مسئلهٔ عدالت اجتماعی توسط اعضای هیئت علمی گروه‌های «کار اجتماعی» می‌پردازند. آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه توثیق کردن سبب بالارفتن آگاهی جمعی و زمینه‌سازی برای تغییرات اجتماعی در حوزهٔ عدالت اجتماعی می‌شود. در پژوهشی دیگر، پژوهشگران همچنان توثیق را منبعی اطلاعاتی می‌دانند که در زمینه‌های تولید، مصرف و به اشتراک گذاری اطلاعات پژوهشی به کار می‌رود (Kharman Shah & Cox, 2017). اشتراک گذاری اطلاعات و جستجو برای آدرس‌ها نشانی از کنش پژوهشگرانه در ارتباطات پژوهش محور درون توثیق است. ولتسیانو (Veletsianos,)

2012) هم در پژوهشش اشاره می‌کند که مشارکت پژوهشگران درون توئیتر به مواردی از قبیل: ۱. بساخت هویت دیجیتالی؛ ۲. ارتباط با دانشجویان؛ ۳. برقراری ارتباطات دیگران، از جمله پژوهشگران دیگر؛ ۴. معرفی فعالیت‌هایشان در دیگر شبکه‌های اجتماعی توسط توئیتر دسته‌بندی می‌شود. در ادامه، ولتسیانو و کیمونس از حضور پژوهشگران در توئیتر به‌مثابه موقعیتی متفاوت برای تأثیر گذاری، نقش ساختارهای قدرت در چگونگی حضور اساتید دانشگاه در نسبت با دانشجویان، و قوام بخشیدن به هویت پژوهشگری فراتر از اصول پژوهش رسمی توجه می‌کنند. البته این پژوهش‌ها بیشتر درباره استفاده از توئیتر در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آمریکا و مگنا (Bart, 2009) در پژوهشی نشان می‌دهد که ۷۹ درصد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آمریکا در سال ۲۰۰۹ اعلام کرده‌اند که تا سال بعد از آن به توئیتر خواهند پیوست.

هوسی (Hussey, 2011) در مقاله‌اش به نقش بارز توئیتر در گسترش ارتباطات علمی جامعه علمی دانشگاه از دانشجویان تا اساتید اشاره می‌کند. جامعه دانشگاهی در توئیتر به شبکه‌ای گسترده از تبادلات و برقراری ارتباطات علمی تبدیل شده است تا جایی که با هشتگ‌هایی مانند #highereducation, #detachment کاربردان دانشگاه به اشتراک ایده‌ها و اخبار و اطلاعات علمی می‌پردازند. هول و داد (Hull & Dodd, 2017) هم در پژوهشی که انجام داده‌اند به نقش بارز و تأثیرگذار توئیتر بر دانشجویان اذعان می‌کنند و برای این مورد به بررسی دیدگاه‌های برنامه‌ریزان درسی رجوع کرده‌اند. از نظر برنامه‌ریزان درسی به کارگیری توئیتر موجب ارتقاء آموزش، حمایت ساختاری از نظام آموزشی، و تجربه‌های یادگیری می‌شود. همانطور که در این آثار دیده می‌شود پیوند شبکه‌های اجتماعی و دانشگاه در مقوله‌های ارتقاء سطح دانش دانشجویان، برنامه‌ریزی درسی، شبکه‌های ارتباطی علمی، و شیوه‌های جدید آموزش پی گرفته می‌شوند که با بسته شدن دانشگاه‌ها به سبب شیوع ویروس کووید-۱۹ این مسائل مورد توجه ویژه قرار گرفتند. در این باره آثار علمی بسیاری کار شده‌اند که با موضوع و هدف این مقاله پیوند برقرار نمی‌کنند.

در بین ادبیات پژوهشی داخلی ما با آثار متعدد درباره زیست دیجیتالی اساتید دانشگاه روبه‌رو نیستیم. بر اساس جستجوها پژوهش محمودی (Mahmoudi, 2021) و مقاله کاظمی (Kazemi, 2021a) از اهمیت ویژه‌ای در این موضوع برخوردار هستند. مسئله محمودی پیرامون شیوه‌هایی است که اساتید دانشگاه هویتشان را در اینستاگرام اجرا می‌کنند. مهم‌ترین نتیجه حضور اساتید در اینستاگرام معمولی شدن هویت اساتید دانشگاه در برابر زمان قبل از حضور در اینستاگرام است. در پژوهش محمودی مجموعه‌ای از اساتید دانشگاه نمونه مطالعاتی بودند و این پژوهش کلیت شیوه‌های بیانگری اساتید را در شبکه اجتماعی اینستاگرام نشان می‌دهد.

در مقاله‌ای دیگر، کاظمی (Kazemi, 2021a) بر مسئله برآمدن اینفلوئنسرهای دانشگاهی در ایران تمرکز می‌کند. کاظمی سه گونه از استاد اینفلوئنسر را پیشنهاد می‌دهد: ۱. سلبریتی‌های سنتی که حضور اندکی در اینستاگرام دارند؛ ۲. اساتیدی که شهرت آن‌ها در فضای مجازی بیش از فضای بیرونی است؛ ۳. اساتیدی که هم در بیرون شهرت کسب کرده‌اند و هم در فضای مجازی توانسته‌اند جایی را برای خود باز کنند. در نهایت کاظمی به تبیین جایگاه استاد اینفلوئنسر می‌پردازد. آنچه این مقاله را با ادبیات پیشین اشاره شده در تمایز قرار می‌دهد تمرکز بر مسئله ماهیت موقعیت نوشتن در شبکه‌های اجتماعی توسط اساتید علوم اجتماعی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای رویکرد پساکیفی (Taheri Kia, 2021b) است و در پارادایم پسانسانگرایی (Braidotti, 2006) قرار می‌گیرد. در پارادایم پسانسانگرایی ماهیت پدیده شکل گرفته از ترکیب نیروهای انسانی و غیر انسانی است و، به عبارتی، نیروهای غیر انسانی دارای قدرت عاملیت هستند. عاملیت مفهومی است که فراتر از دو گانه سوژه/اژه عمل می‌کند. عاملیت اشاره به ظرفیت نیروهای انسانی و غیر انسانی برای تأثیر

گذاشتن و تأثیر گرفتن (Robinson & Kutner, 2018) دارد و جریان حرکت تاریخ را برای ورود به دوره‌های مختلف (Bergson, 2014) مشخص می‌کند.

بنابراین، در پارادایم پسانسانگرایی مسئلهٔ موقعیت نوشتن در دورهٔ دیجیتال و تأثیر گذاشتن نیروهای غیر انسانی مانند نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، اپلیکیشن‌ها، و زبان الگوریتم بر موقعیت نوشتن اهمیت می‌یابد. دورهٔ دیجیتال موقعیت نوشتن را وارد دورهٔ تاریخی جدیدی کرده است. پس در پارادایم پسانسانگرایی که عاملیت را به خارج از دایرهٔ انسانی گسترش می‌دهد، ویژگی کارکرد عامل‌ها یا نیروهای شکل دهندهٔ موقعیت پدیده‌ها اهمیت پیدا می‌کند. نیروهای شکل دهندهٔ پدیده را درون پراتز و مجرد در نظر نمی‌گیریم، بلکه کارکرد نیروهای شکل دهندهٔ پدیده در تنیدگی (Barad, 2014) با دیگر نیروهایی هستند که وضعیت تاریخی را شکل داده‌اند، بر وضعیت اکنون تأثیر می‌گذارند، و وضعیت آینده را مشخص می‌کنند.

از این رو، وقتی می‌خواهیم کارکرد نیروهای شکل دهندهٔ پدیده را در تنیدگی با دیگر نیروها بررسی کنیم نمی‌توان به شیوهٔ کلاسیک جمع‌آوری داده‌ها به صورت کمی و کیفی و سپس تبدیل داده‌ها به آمار و روایت محدود شد. بلکه متن تحلیل داده‌ها رفت‌وآمدی فعال بین نظریه، مفهوم‌سازی، و استناد به داده‌هاست. خلق موقعیت‌های مفهومی امکان تولید تحلیل‌هایی است که بیانگر تنیدگی بین نیروهای انسانی و غیر انسانی در تشکیل موقعیت پدیده هستند.

در روش کیفی کدهای مشابه به یکدیگر ذیل یک مفهوم بزرگ‌تر یا مقوله دسته‌بندی می‌شوند و سپس مقوله‌ها در گزارش تحلیل داده‌ها دسته‌بندی موضوعی ایجاد می‌کنند. متن گزارش تحلیل به واسطهٔ مقوله‌ها بخش به بخش دسته‌بندی می‌شود. اما در پارادایم پسانسانگرایی با معرفی روش پساکیفی (St. Pierre, 2021) روش کیفی نقد می‌شود. در روش کیفی کدهای اولیه زیر بار به اشتراک رسیدن فشرده می‌شوند تا از آن مقوله به دست آید، در حالیکه این فشرده سازی امکان سیالیت و حرکت کدهای باز برای ایجاد پیوند با یکدیگر را از بین می‌برد. کدهای باز در روش پساکیفی به تولید پاراگراف‌های تحلیل منجر می‌شوند. پژوهشگر در روش پساکیفی با کدهای باز سروکار دارد و وقتی که در روش کیفی، با فشرده سازی کدهای باز، مقوله‌ها اهمیت پیدا می‌کنند. بنابراین جایی که کدهای باز به کار گرفته می‌شوند در تولید پاراگراف هستند. پژوهشگر مبتنی بر کد باز پاراگراف را توسعه می‌دهد و پاراگراف برای فراخواندن کد باز بعدی به کار گرفته می‌شود و بدین ترتیب زنجیره‌ای از پاراگراف‌ها بر اساس کدهای بازی که در هم تنیده شده‌اند گسترش پیدا می‌کنند و به فراخور آن‌ها نقل قول‌ها هم می‌آیند.

پاراگراف‌ها موقعیت اصلی شکل‌گیری موقعیت‌های تحلیلی هستند که با ایجاد مفهوم سازی کدهای باز به کدهای باز دیگر پیوند می‌خورند و موتور محرک پژوهش به پیش می‌رود. بر خلاف روش کیفی موقعیت تحلیل داده‌ها در روش پساکیفی یک گزارش صرف از دسته‌بندی‌ها نیست. ما وقتی پیش از نوشتن گزارش تحلیل داده‌های کیفی آن‌ها را دسته‌بندی می‌کنیم هر شکلی از امکان به هم پیوند خوردن کدهای باز و ایجاد خلاقیت برای مفهوم سازی را در هنگام نوشتن تحلیل داده‌ها از بین می‌بریم. به همین دلیل نوشتن در روش پساکیفی موقعیتی هستی-معرفت‌شناختی است. مفاهیم خلق می‌شوند و وجوه پدیده در پیوند با وجوه دیگرش پدیدار می‌شوند. ما نوشتن خلاق پساکیفی را در برابر نوشتن گزارش کیفی قرار می‌دهیم. پس شیوهٔ رفتن از یک پاراگراف به پاراگراف بعدی مبتنی بر ظهور وجوه پدیده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها از شیوهٔ مصاحبهٔ عمیق استفاده شده است. ۶ نفر از اساتید جامعه‌شناسی که در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام فعال هستند برای این مصاحبه انتخاب شدند. معیار انتخاب اساتید جامعه‌شناسی این بود که آن‌ها علاوه بر فعالیت نوشتاری در شبکه‌های اجتماعی در مقام عضو هیئت علمی دانشگاه هم باشند. این ویژگی کمک می‌کرد تا برای این اساتید شیوهٔ نوشتن در شبکه‌های اجتماعی در نسبت با نوشتن دانشگاهی که از ضروریات اداری تولید متون علمی است قرار بگیرد. به طور کلی ضرورت تجربهٔ کسب موقعیت دانشگاهی در پیوند با تجربهٔ به دست آوردن جایگاهی در شبکه‌های اجتماعی با موضوع مشترک نوشتن در انتخاب نمونه‌ها اهمیت داشت.

جدول ۱

مصاحبه شونده‌گان مورد استفاده در مقاله

نعمت‌الله فاضلی
رضا کلاهی
مقصود فراستخواه
مهدی مالمیر
هادی خانیکی
حسن محدثی

چارچوب نظری

از اوایل قرن بیست و یکم، در حوزه مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، و جامعه‌شناسی چرخشی تحت عنوان «چرخش تأثیر» (Clough, 2008) شکل گرفته است که هستی‌شناختی متفاوتی را متأثر از فلاسفه‌ای مانند اسپینوزا (Ruddick, 2010)، وایتهد (Withehead, 1987)، دلوز (Deleuze, 1995)، و برگسون (Bergson, 2014) ارائه داده و آن ماهیت «درون جریان» (Taheri Kia, 2021a) است. ماهیت درون جریان به شبکه‌ای ارتباطی اشاره دارد که نیروها در یکدیگر تنیده شده‌اند و در این تنیدگی از یکدیگر تأثیر می‌گیرند و تأثیر می‌گذارند (Massumi, 2002). در مفهوم تنیدگی نیروها آن‌ها درون یکدیگر جریان دارند و پنجره‌های آن‌ها بر روی همدیگر گشوده است و از هم تأثیر می‌گیرند. بنابراین، پدیده‌ها جدا از شبکه ارتباطی امکان حیات و پدیداری ندارند. فلسفه درون جریان منتقد فلسفه آن‌سو یا فراسو رونده از این شبکه ارتباطی است که پدیداری و موجودیت پدیده جدا و فارغ از پیوند خوردن با دیگر نیروها را ممکن می‌داند. برای فلسفه درون جریان چیزی پیشینی وجود ندارد و هر آنچه پدیدار می‌شود درون و در میانه روابط (Stenner, 2017) است.

در میانه روابط امکان‌های جدیدی برای ظهور پدیده در موقعیت‌های متفاوت شکل می‌گیرد، زیرا جریانی از تأثیرگذاری‌ها در میان آن‌ها وجود دارد. جریان تأثیرگذاری‌ها همواره وضعیت تاریخی را به حرکت و تحول وامی‌دارد و زمان را به دوره‌های مختلف تقسیم می‌کند. پدیده‌ها در حال شدن هستند (Deleuze & Guattari, 2005) و فرایند شدن نه فقط محدود به نیروهای انسانی بلکه در تنیدگی با نیروهای غیرانسانی (Wolfe, 2010) است و تکنولوژی‌ها نیروهای غیرانسانی هستند که در تقسیم‌بندی زمان به دوره‌های مختلف و ایجاد جریان حرکت منجر شده‌اند. بنابراین، تکنولوژی دیجیتال دارای شدتی از تأثیرگذاری در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی بوده است که می‌توان تاریخ را به دو دوره پیشادigital و دیجیتال تقسیم کرد.

وضعیت دیجیتال شامل تنیدگی نیروهای ماشین است که دارای هوش مصنوعی، قدرت تصمیم‌گیری و زبان یادگیری هستند. وضعیت دیجیتال دوره‌ای متفاوت از تنیدگی ارگانیک با ماشین (Haraway, 2013) است که ماشین به‌طور فعالانه‌تری وارد به چرخه تأثیرگذاری بر نیروهای انسانی شده است. در وضعیت دیجیتال، تنیدگی نیروهای انسان و ماشین موقعیت‌هایی را به وجود آورده‌اند که تولید، مصرف، و چرخش اطلاعات جزئی از ویژگی‌های ماهیتی آن‌ها هستند. هر چیزی می‌تواند به کدهای اطلاعاتی تبدیل و در شبکه ارتباطی دیجیتال چرخش پیدا کند. بنابراین، موقعیت‌هایی مانند نوشتن، عکس گرفتن، ضبط کردن صدا، و فیلم گرفتن هر کدام موقعیت‌های معمول و روزمره‌ای هستند که در زندگی روزمره دیجیتال در تبدیل زندگی به اطلاعات کمک می‌کنند.

پدیده‌ها، موقعیت‌ها، و رخداد‌های زندگی به قالب‌های مختلف فایل‌ها تبدیل می‌شوند که هر کدام پسوندی دارند و در نرم‌افزار یا اپلیکیشن ویژه‌ای باز می‌شوند و این فایل‌ها قابلیت ترکیب با یکدیگر را دارند، به‌مانند اینکه جنبه‌های مختلف زندگی در قالب این فایل‌ها به یکدیگر پیوند می‌خورند. تنیدگی انسان-ماشین و تنیدگی زندگی-اطلاعات ما را به اهمیت چرخش تأثیر در فرهنگ و وضعیت دیجیتال می‌رسانند. ارگانسیم، نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، و زبان الگوریتم آن‌قدر از یکدیگر متأثر شده‌اند که تولید و نشر اطلاعات را باید شیوه‌ای متفاوت از بیانگری در وضعیت دیجیتال دانست. اطلاعات وقتی تولید و نشر پیدا می‌کنند می‌توانند بر دیگر موقعیت‌ها تأثیر بگذارند و این تأثیرها به تغییرات در زندگی محلی و جهانی منجر می‌شوند.

چرخش تأثیر در وضعیت دیجیتال دربارهٔ فضا و زمان درهم‌تنیده شده‌ای است که به شکل «فضازمان» سبب «تنیدگی جغرافیای فیزیکی و دیجیتالی» (Taheri Kia, 2020) شده است که از تغییرات هم متأثر می‌شوند و جریان اطلاعات این دو جغرافیا را درهم‌تنیده کرده است. پس در هم تنیدگی جغرافیای فیزیکی و دیجیتال موجب به مجاورت موقعیت‌های مختلف بر یکدیگر شده که به واسطهٔ تولید و چرخش اطلاعات امکان‌های بیانگری برای آن‌ها فراهم شده است. بنابراین، امکان‌های بیانگری به‌موجب پدید آمدن تکنولوژی‌های ارتباطی است که موقعیت‌های تولید اطلاعات را فراهم آورده‌اند. برای مثال، تلفن‌های همراه ماشینی فشرده از امکان‌های ضبط صدا، تصویر، و ویدئو است که شرایط تولید و مخابرهٔ اطلاعات را ایجاد کرده و سبب شده‌اند تا زندگی روزمره در وضعیت دیجیتال به تعداد تلفن‌های همراه و کاربرانی که آن‌ها را در دست دارند به اطلاعات تبدیل شود.

جریان‌های تولید و نشر و چرخش اطلاعات به شکل‌گیری زندگی اجتماعی نتیجه می‌شوند که «رژیم‌های حقیقت» را به چالش می‌کشند. رژیم‌های حقیقت ارزش‌های واحدی را برای تربیت انسان اجتماعی به کار می‌گیرند که در وضعیت دیجیتال مورد هجوم جریان‌های تولید و نشر اطلاعاتی قرار می‌گیرند. جریان‌های متکثر و انبوه اطلاعات به ایجاد روایت‌های متفاوتی از حقیقت‌ها کمک می‌کنند که «دوران پساحقیقت» (Sawyer, 2018) نامیده می‌شود. از موقعیت‌های مختلف زندگی حقایق گوناگونی تولید می‌شوند و در پیوند با حقایق تاریخی و کلی قرار می‌گیرند که در حال شکل دادن به انگاره‌های اجتماعی و جمعی هستند. به عبارتی، جریان‌های انبوه و متکثر اطلاعات نمایان‌کنندهٔ حقیقت‌های مختلف زندگی اجتماعی هستند که نبرد بر سر حقیقت راستین را شکل می‌دهند و اطلاعات درست و نادرست (Thompson, 2020) در جریان این نبرد شکل می‌گیرند.

در نتیجه، چرخش تأثیر ماهیت جهان هستی را در شبکه‌ای از روابط معرفی می‌کند و ممکن شدن پدیداری پدیده‌ها فقط به‌شرط حضور داشتن در شبکهٔ روابط است. چرخش تأثیر وقتی به وضعیت دیجیتال می‌رسد امکان‌های جدیدی را برای پدیدار شدن موقعیت‌های متفاوت، که تاپیش از وضعیت دیجیتال در پتانسیل به سر می‌برند، به وجود می‌آورد. فعال شدن موقعیت‌های جدید در وضعیت دیجیتال به سبب شدت تنیدگی ارگانسیم با ماشین، جغرافیای فیزیکی با جغرافیای دیجیتال، و زندگی با اطلاعات است. در این تنیدگی، تولید و مخابره اطلاعات امکان‌های بیانگری را به وجود آورده‌اند. فایل‌های نوشتاری، صوتی، و تصویری به‌مثابه فایل‌های اطلاعاتی هستند که کاربرد بیانگری دربارهٔ چیزی را دارند. در این میان، فایل‌های نوشتاری جدیدی به وجود آمدند که در شبکه‌های اجتماعی تولید و چرخش پیدا کردند. از این رو، زیست استاد علوم اجتماعی در وضعیت دیجیتال با امکان تولید فایل‌های نوشتاری و نشر آن‌ها آمیخته است و موقعیت‌های جدید و متفاوت نوشتاری دربارهٔ اجتماع برای اجتماع را ایجاد کرده است.

تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در قبل آورده شد برای استاد علوم اجتماعی موقعیت نوشتن اساسی‌ترین موقعیتی است که نظریات، تحلیل پدیده، و نوآوری مفاهیم، و درگیری با موضوع برای خلق ایده‌های جدید شکل می‌گیرند. بر این اساس، مبنایی به وجود می‌آید که امکان داوری میدان علوم

اجتماعی برای سنجش اعتبار علمی نوشته‌ها برای گذار آن‌ها از نوشتار غیر معتبر علمی به نوشتار معتبر علمی تحقق پیدا کند. اما در وضعیت دیجیتال ما وارد به دوره‌ای جدید شده‌ایم که آن را هایلز (Hayles, 2021) دوران «پساچاپ» می‌نامد.

دوران پساچاپ دوره‌ای از تاریخ است که نوشتن سریع در آن شکل می‌گیرد. نوشتن سریع دیگر مراحل تولید نوشتار، نشریه، و نشر را طی نمی‌کند بلکه نوشتن همانا به‌مثابه انتشارش عمل می‌کند و در اینجا شکلی از «خودمختاری» (Braidotti & Fuller, 2019) در مفهوم «اراده به نوشتن» درباره وضعیت معاصر اجتماع و نشر آن توسط استاد علوم اجتماعی معنا پیدا می‌کند.

"تا پیش از نوشتن وبلاگ نوشتن آن‌قدرها در ذهن من مهم نبود. نوشتن خود رسانه‌ای است که برای هر فرد دانشگاهی اهمیت دارد همه دانشگاهی‌ها لاجرم اگر بخواهند کار دانشگاهی را جدی بگیرند، جایی باید با اهمیت نوشتن آشنا بشوند و آن را درک بکنند. جهان مجازی وبلاگ اولین تأثیری که روی من گذاشت این بود که نوشتن را در من برجسته و پراهمیت کرد. من به تدریج که نوشتن جنبه‌ها و کارکردهای متعدد نوشتن به وجوه شناختی و کانتیو من برگشت. منظورم از وجوه شناختی این است که سازوکار اندیشیدن، فهمیدن و فعالیت مغزی در من با مقوله رای‌تینگ عجین شد. تا پیش از وبلاگ‌نویسی برای من نوشتن صرفاً ابزاری برای انتقال ایده‌ها و داده‌ها بود. اما وبلاگ نوشتن به من آموخت که نوشتن همان اندیشیدن هست. همان موقع‌ها بعد از ۳-۴ سال کار در جهان مجازی، وبلاگ و سایت جستاری نوشتن که عنوانش در وبلاگ بود سی نکته مردم‌نگارانه در مورد نوشتن که بعداً به صورت تأملاتی مردم‌نگاری در مورد نوشتن هم منتشر شد. [...] من به کمک نوشتن فعالیت مغزی و شکلیم شکل می‌گرفت (نعمت‌الله فاضلی)".

وبلاگ‌ها در ایران آغازی برای ورود به دوران پساچاپ برای میدان علوم اجتماعی بودند، همانطور که برای بسیاری از کنشگران اجتماعی تبدیل به محلی برای فعالیت شد (Amir-Ebrahimi, 2008; Golkar, 2015)، و برای نخستین بار استاد علوم اجتماعی توانست آنچه را ایده پردازی می‌کند، سریع بنویسد و سریع به نشر برساند. در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ نوشتن سریع و نشر سریع بر روی یکدیگر قرار می‌گیرند و مرحله نوشتن تا نشر که در دوران چاپ با کندی پیش می‌رفت در دوران پساچاپ فاصله بین نوشتن و نشر از بین رفته است.

"ولی الآن می‌توانی هیچ روزنامه‌ای نپذیرد و تو بروی بنویسی. برای خودت یک کانال بزنی و بنویسی. [...] البته این معنا نیست که ساختارها کلاً حذف شده‌اند به دلیل اینکه هزاران نفر الآن دارند می‌نویسند کانال دارند و ما آن‌ها را نمی‌شناسیم ولی اسم محمد فاضلی یعنی در آن جهان یک هابرآرشی ایجاد می‌شود که یک کسانی را حذف می‌کند. یک برندهایی ایجاد می‌شوند، سلبریتی‌هایی ایجاد می‌شوند که بقیه زیردست و پایشان قرار می‌گیرد. این مکانیسم‌های حذف و طرد در این فضای دیجیتال هم خیلی موضوع مهمی است و در واقع خیلی رایج است که این فضا فضای سیالی است منعطف است و تو را از ساختارها مستقل می‌کند بی‌نیاز می‌کند و تو می‌توانی رابطه فردی برقرار کنی مستقیم با مخاطب بدون میانجی رسانه خاصی (رضا کلاهی)".

در وضعیت دیجیتال موقعیتی خودمختار از نوشتن-نشر به وجود آمده است که استاد علوم اجتماعی فارغ از نظام نوشتاری دانشگاهی و معتبر علمی موقعیتی متفاوت را برای نوشتن یافته است. استاد علوم اجتماعی در موقعیت نوشتن، ایده‌هایش را در برابر آنچه در وضعیت زندگی معاصر رخ داده است، پرورش می‌دهد. مسئله در اینجا پرورش ایده‌ها در هنگام نوشتن سریع درباره موضوعی است که استاد علوم اجتماعی در زمان اکنون به آن درگیر شده است. برآیند درگیری با وضعیت اکنون و نوشتن سریع درباره آن ایجاد تجسم درباره وضعیت زندگی معاصر، برای انبوه دریافت‌کنندگان متکثر، است. تجسم درباره وضعیت زندگی معاصر از تنیدگی احساسات و افکار استاد علوم اجتماعی با جریان نیروهای شکل‌دهنده زندگی معاصر بر می‌آید. بیانگری درباره وضعیت اکنون در لحظه‌ای است که ایده‌ای خلاقانه برای بیان، در ذهن و احساسات استاد علوم اجتماعی، مجسم می‌شود.

"خلاقیت محصول یک تعداد عوامل است. مثلاً یکی از آن‌ها این است که شما زیاد می‌خوانید. یکی این است که زیاد در معرض مسئله‌ها قرار می‌گیرید. یکی این است که از زوایای مختلف به مسئله نگاه می‌کنید. وارد گفتگو می‌شوید. خودتان را ملزم می‌کنید به اینکه تولید کنید. یعنی از خمودگی می‌آیید بیرون و خودتان را ملزم به یک تولیدی می‌کنید. خب فضای مجازی همه این‌ها را توأمان دارد. یعنی شما وقتی یک کانال یا یک صفحه اینستاگرام داری و دائم می‌نویسی و مخاطب تو از تو انتظار دارد بنابراین آن فشار تولید کردن را داری. در فضای مجازی وارد گفتگو می‌شوی حالا یا با مخاطب‌های خودت وارد گفتگو می‌شوی یا با یک کس دیگری که متنی نوشته یک دیالوگی خواهی داشت. خود این دیالوگ یک منشأ نوآوری و منشأ از زوایای مختلف دیدن است. و حضور در فضای مجازی چون تنها که نیستی بروی و بیایی بیرون. وقتی می‌روی در فضای مجازی نوشته‌های دیگران را هم می‌خوانی و وقتی می‌خوانی در اصل نوعی گفتگو با دیگران را هم انجام می‌دهی و بسیاری از این‌ها ممکن است مستقیماً ناظر به متن‌های تو باشند. [...] همه اینها منشأ خلاقیت است. آره فضای مجازی تولیدکننده این خلاقیت هم هست. خصوصاً که گفتم این فضای مجازی خودش یک پلی می‌شود برای رفتن به سمت فضای واقعی. دوستان و همکارانی از این طریق در فضای واقعی پیدا می‌کنی و اینها خودش منشأ خلاقیت است (مقصود فراستخواه)."

بنا بر ایدهٔ فراستخواه بر پدیدهٔ خلاقیت برای میدان علوم اجتماعی، پس می‌توان ادعا کرد که نوشتارهای سریع و تجسمی اساتید علوم اجتماعی فرصتی منحصر به فرد برای نوشتن به مثابه عملی معتبر برای رویارویی با نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون و نوشتن به مثابه مسئولیتی معتبر برای زیستن معاصر است. زیستن معاصر برای استاد علوم اجتماعی را به مفهوم «مسئولیت معتبر» ترجمه می‌کنیم. مسئولیت معتبر موقعیتی است که استاد علوم اجتماعی مسئول و متعهد به زیستن معاصر است و زیستن معاصر به مفهوم اندیشیدن به سه موقعیت گذشته، حال، و آینده است. زیستن معاصر تبدیل کردن فضا زمان اکنون به موقعیتی برای بهره‌گیری از اطلاعات تاریخی برای خلق موقعیتی با هدف اندیشیدن دربارهٔ آینده است و اندیشیدن دربارهٔ آینده با تجسم و تخیل همراه است. پس، ضرورت معاصریت برای استاد علوم اجتماعی معادل در حرکت ماندن با نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون است. آگامبن (Agamben, 2009) معاصریت را زیستن در شرایطی ویژه می‌داند: «معاصر کسی است که چشمانش را به‌طور جدی و سخت بر روی زمانه‌اش خیره نگاه می‌دارد تا نه روشنایی‌هایش، بلکه به ترجیح تاریکی‌هایش را دریافت کند». بنابراین، معاصریت برای استاد علوم اجتماعی مسئولیتی معتبر است تا بتواند دربارهٔ زمان اکنون تولید نوشتار کند. تولید نوشتار دربارهٔ اکنونی‌ات باید در همین اکنون تولید و منتشر شود و ممکن کردن این ضرورت در وضعیت دیجیتال فراهم شده است.

در وضعیت دیجیتال، برای استاد علوم اجتماعی نوشتن دربارهٔ وضعیت اکنون موقعیتی برای پیوند دانش علمی با موقعیت زیستن معاصر است. از آنجایی که وضعیت دیجیتال امکان نوشتن سریع و مخابرهٔ آن را مهیا کرده است، استاد علوم اجتماعی همگام با ریتم (Deleuze, 1995) جریان حرکت نیروهای زمانه و تغییرات آن‌ها می‌تواند، در موقعیت نوشتن سریع، دربارهٔ وضعیت اکنون تجسم کند. استاد علوم اجتماعی توسط تجسم کردن می‌تواند دانش علمی و موقعیت زیستن معاصرش را به یکدیگر پیوند بزند. موقعیت نوشتن سریع به قدرت تجسم در پشتوانه با دانش علمی نیاز دارد تا بتواند ایده‌ای معاصر را طرح کند. گویی که دانش علمی در ناخودآگاه موقعیت نوشتن سریع قرار دارد. پس، باید بتوان برای به ثمر رساندن مسئولیت معتبر نوشتن سریع برای ترویج تجسم جامعه‌شناسانه امکان نشر سریع فراهم باشد.

دوران پساچاپ کارکردش را ساختن موقعیت تولید نوشتار از در انتظار ماندن برای نشر است. انتظار ماندن برای نشر ظرفیت‌های تولید تجسم دربارهٔ وضعیت اکنون را از بین می‌برد و، در نتیجه، نوشته‌ها مدام توسط ارجاع به گذشته‌ها توان بیانگری دارند. به بیانی، دوران پساچاپ به استاد علوم اجتماعی امکان می‌دهد در هنگام نوشتن سریع، ایده‌هایش را آزمایش کند زیرا به سرعت آن‌ها را نشر خواهد داد.

تفکر کردن همواره تجربه کردن و آزمایش کردن است، نه برداشت کردن اما آزمایش کردن، چیزی که تجربه می‌کنیم، و با آن آزمایش می‌کنیم، همواره امر واقع و عملیاتی شده‌ای است که در حال یافتن موجودیت است، چیزی که جدید است، چیزی که در حال شکل‌گیری است (Deleuze, 1995).

دلوز موقعیت تجربه کردن و آزمایش کردن را معادل یکدیگر می‌داند که در میانه آن چیزی جدید در حال موجودیت یافتن است. موقعیت‌های جدید و تجربه و آزمایش کردن آن‌ها درون یکدیگر تنیده شده و باهم شکل می‌گیرند. بنابراین، وقتی میدان علوم اجتماعی موقعیت‌های جدیدی را برای تجربه کردن و آزمایش کردن پیدا می‌کند امکان تولید موقعیت نوشتاری تازه را درباره وضعیت اجتماع به دست می‌آورد. برای مثال، رخداد شیوع ویروس کووید-۱۹ موقعیتی جدید را برای تجربه کردن و آزمایش کردن نوشتن سریع و تجسمی برای استاد علوم اجتماعی به وجود آورد^۱ (شکل ۱). رخداد شیوع ویروس کووید-۱۹ وضعیتی تکین بود تا استاد علوم اجتماعی مسئولیت نوشتن به هنگام رویارویی با رخدادها و نوشتن در همراهی با ریتم جریان نیروهای شکل‌دهنده فضا زمان اکنون را آزمایش و تجربه کند (Taheri Kia, 2020). پس وضعیت دیجیتال می‌تواند موقعیت‌های تجربه کردن و آزمایش کردن را برای تولید موقعیت‌های جدید عاملیت استاد علوم اجتماعی فراهم آورد.

شکل ۱

تصویر صفحه اینستاگرام «پنجره» به‌مثابه فضایی برای نوشتارهای جامعه‌شناسان در رویارویی با رخداد شیوع ویروس کووید-۱۹. (Taheri Kia, 2020)



"فضای مجازی به این سمت برود که این قدرت نقدکنندگی در آن بیشتر اتفاق بیفتد بلکه می‌تواند جرح و تعدیل نظری هم بکند، اصلاح نظری هم بکند، آدم‌ها را گاهی ما در محیط‌های علمی آدم‌هایی داریم که خیلی جزم‌اندیش هستند. می‌تواند کمک بکند به تعدیل و زدودن"

^۱ علاوه بر نقش اساتید علوم اجتماعی عضو هیئت علمی، توجه بر نقش نظام آموزش عالی در رخداد شیوع ویروس کووید-۱۹ در قالب رسالت دانشگاه در بهبود زندگی مردم در چنین رخدادی مورد توجه پژوهشگران بوده است (جهانگیری، حیدر بیگی، و وفايي، ۱۴۰۱).

آن جزم‌اندیشی‌هایی که وجود دارد و این در سایه آن تضارب فکری است و تضارب گفته‌هایی است که در این فضا اتفاق می‌افتد و شاید هم از این جهت بتواند یک موقعیت تحلیلی هم رقم بزند که تا حدودی وابسته به این تکنولوژی دیجیتال هم هست (مهدی مالمیر)."

وضعیت دیجیتال می‌تواند میدان علوم اجتماعی را در موقعیتی قرار دهد تا موقعیت‌های «آشنا را تبدیل به غریبه کند» (Jeanes, 2006). وضعیت تاریخی میدان علوم اجتماعی ایرانی درگیر به شیوه‌هایی از تولید متن است که روش‌های کمی و کیفی باهدف تقلیل مسئله به اعداد و روایت‌ها برای فرموله بندی کردن استفاده شده‌اند. وضعیت تاریخی نوشتن در میدان علوم اجتماعی به‌جز محل ستون مطبوعات دیگر مکانی را نداشت تا موقعیت نوشتن را به‌مثابه کنش سریع در رویارویی با نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون و رخداد‌های آن ایجاد کند. موقعیت نوشتن بیان‌گرانهٔ سریع برای استاد علوم اجتماعی وقتیکه او از زندگی اجتماعی متأثر می‌شود، در وضعیت تاریخی میدان علوم اجتماعی، ممکن نبود؛ به بیانی، برای استاد علوم اجتماعی امکان‌های متفاوت و متنوع برای نوشتن جدای از موقعیت نوشتن دانشگاهی فراهم نبود. دوران پساچاپ و وضعیت دیجیتال برای میدان علوم اجتماعی شرایطی را رقم زد که جریان نوشتارهای تجربی از انجماد و انقیاد تاریخی‌اش رها و وارد دوره‌ای تازه از تاریخ شود. از این‌رو، امکان نوشتن در همراهی با ریتم جریان حرکت نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون و رخداد‌های زندگی معاصر فراهم شد. در وضعیت دیجیتال، استاد علوم اجتماعی موقعیت معاصریش را فعال و اعتبارهای جدیدی از موقعیت‌های نوشتن را وارد میدان علوم اجتماعی می‌کند.

به‌واسطهٔ نوشتن سریع دربارهٔ وضعیت اکنون، اعتبار زیستن علمی استاد علوم اجتماعی به زیستن معاصر گسترش یافت، زیرا به اعتبار جامعه‌شناس بودنش دریافت‌کنندگان متکثری را پیدا می‌کند که نوشته‌هایش را دنبال می‌کنند. در دوران پیشادیتال و چاپ چگونه جمعیتی از دریافت‌کنندگان می‌توانستند دنبال‌کنندهٔ نوشته‌های استاد علوم اجتماعی باشند؟ پاسخ به این پرسش دربارهٔ تعدادی دریافت‌کنندهٔ حرفه‌ای و متخصص است که بنا بر ضرورت علمی دنبال‌کنندهٔ آخرین آثار علمی استاد علوم اجتماعی هستند. اما در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ، جمعیتی انبوه و متکثر وقتی استاد علوم اجتماعی را دنبال می‌کنند به‌طور خودکار هر نوشته‌ای که استاد علوم اجتماعی بارگذاری می‌کند برای جمعیت دریافت‌کنندگان هم می‌رود. ویژگی دوران پساچاپ این است که نوشته‌های بارگذاری شده مخابره می‌شوند و نه چاپ. نوشته‌های بارگذاری شده مخابره می‌شوند و دریافت‌کنندگان به اعتبار مقام علمی استاد علوم اجتماعی نوشته‌هایش را دنبال می‌کنند. بدین‌سان، زیستن علمی استاد علوم اجتماعی به زیستن معاصرش و نوشته‌هایی که دربارهٔ وضعیت اکنون می‌نویسد، پیوند می‌خورد.

ویژگی زیستن معاصر عاملیت استاد علوم اجتماعی را از «عاملیت علمی» به «عاملیت بیانگری» توسعه می‌دهد. در این توسعه یافتگی زیستن اجتماعی استاد علوم اجتماعی با زیستن علمی او هر چه بیشتر پیوند خورده و میدان علوم اجتماعی را با موقعیت‌های تازه‌ای از نوشتارهای تجربی همراه ساخته است. موقعیت‌های جدید نوشتن دربارهٔ زندگی اجتماعی و نشر آن‌ها نشان از ظهور شیوه‌های تازه از فعال کردن عاملیت برای استاد علوم اجتماعی است.

"اینجا خلاقیت و پویایی بیشتری هست و افرادی که در این فضا درگیر هستند و می‌نویسند و اینها یک مقداری انگار دغدغه‌های اجتماعی بیشتری دارند و هم احتمالاً خلاقیت‌های بیشتری و پویایی بیشتری. البته گاهی اوقات می‌شود این را مطرح کرد که در کنار این پویایی و خلاقیت و به‌روز بودن (هادی خانیکی)."

مسئله معاصریت را باید یکی از ویژگی‌های مهم ماهیتی وضعیت دیجیتال و جامعهٔ اطلاعاتی دانست. تبدیل هر چه بیشتر جهان به اطلاعات به تولید جهانی منجر شده که شبکه‌ای است و هر آنچه بیرون شبکه است با تبدیل شدن به اطلاعات وارد شبکهٔ ارتباطی می‌شود. به عبارتی، پدیده‌های جهان به‌واسطهٔ تبدیل شدن به اطلاعات هر چه بیشتر درون یکدیگر تنیده می‌شوند و در این تنیدگی است که امکان‌های تأثیرگذاری و تأثیرگیری فراهم می‌شود (Blackman & Venn, 2010). معاصریت در وضعیت دیجیتال قرار گرفتن در جریان اطلاعات است به‌طوری‌که

توان بر آن تأثیر گذاشت و استاد علوم اجتماعی در ماهیت دیجیتالی‌اش باید بتواند بر جریان نیروهای شکل‌دهنده فضا زمان اکنون تأثیرگذار باشد. تأثیرگذاری نیازمند به‌روز بودن است. برای به‌روز بودن باید با ریتم جریان حرکت نیروهای شکل‌دهنده فضا زمان اکنون همگام شد و به‌روز شدن ماهیت نوشتار سریع برای تجسم کردن وضعیت اکنون را شامل می‌شود. تولید و جریان اطلاعات تأثیرگذارند و با هر تأثیر موقعیت‌ها به‌روز می‌شوند. در سال ۲۰۰۶ مجله تایم به سیاق هر سالش که چهره سال را معرفی کند (شکل ۲) تصویری از یک کامپیوتر را می‌گذارد و می‌نویسد: «شما فرد [منتخب] سال هستید». این تصویر نشان می‌دهد که کاربران هر کدام در شبکه‌های دیجیتال تا چه مقدار اطلاعات تولید می‌کنند و وضعیت دیجیتال را به‌روز نگاه می‌دارند.

شکل ۲

تصویر شخصیت منتخب سال ۲۰۰۶ مجله تایم.



در پژوهشی سیلو و آپستاد (Sivle & Uppstad, 2018) نشان می‌دهند که کاربران از میان منابع مختلف و شکل‌های گوناگون بازنمایی اطلاعات، مانند متن، تصویر، ویدئو، نمودارها، اطلاعات را برداشت و در هم ترکیب می‌کنند. مردم با دستیابی به منابع اطلاعات اینترنتی خوانش‌های چندوجهی را انجام می‌دهند و منابع اطلاعاتی بر روی تصمیم‌گیری‌های روزمره مردم تأثیر دارند. علاوه بر این، جداول، نمودارها، تصاویر، و نشانه‌ها گونه‌های مختلف بازنمایی اطلاعات را نشان می‌دهند که کاربران از آن‌ها برای به دست آوردن اطلاعات و تصمیم‌گیری درباره امور زندگی استفاده می‌کنند. بنابراین، فرد در وضعیت دیجیتال با فراخوانی گسترده برای تولید و مصرف اطلاعات فراخوانده شده است و با پیوستن به این فراخوان شدتی از فرایند تأثیرگذاری و تأثیرگیری فراهم آمده است. از این رو، حضور استاد علوم اجتماعی در فراخوان تولید

اطلاعات موجب شده است که او از دانشش استفاده کند و دربارهٔ وضعیت اکنون زندگی اجتماعی برای جمعیتی انبوه و متکثر از دریافت‌کنندگان اطلاعات تولید کند.

در وضعیت دیجیتال، استاد علوم اجتماعی دانش را به اطلاعات تبدیل می‌کند و این یادآور پیوند خوردن زیست علمی به زیست دیجیتال است. پیوند و ارتباط بین دانش و اطلاعات نمایانگر پیوند زیست علمی و زیست دیجیتال استاد علوم اجتماعی است. از این رو، وقتی به فلسفهٔ اطلاعات و پیوندش با دانش رجوع می‌کنیم آنگاه سازوکار تنیدگی بین موقعیت‌های دانش و اطلاعات برای فهم کارکرد نوشتن سریع و تجسمی مشخص می‌شود. اطلاعات حاوی داده‌ها، دال، مدلول، و معانی هستند که دانش را در شاخه‌ای ویژه تولید می‌کنند. مینگرز و استندینگ (Mingers & Standing, 2018) چهار نوع از دانش را مشخص می‌کنند: ۱. دانش چگونگی؛ ۲. دانش تجربی؛ ۳. دانش دربارهٔ چرایی؛ ۴. دانش گزاره‌ای و پیشنهادی. اطلاعات می‌تواند به دانش دربارهٔ چرایی و دانش گزاره‌ای ارتقا پیدا کند اما نمی‌تواند به دانش تجربی و دانش چگونگی مبدل شود، زیرا اطلاعات در ماهیتش ویژگی گزاره‌ای و پیشنهادی را دارد. علاوه بر این، فلوریدی (Floridi, 2012) بیان می‌کند اینکه کسی از چیزی فقط اطلاعات دارد نمی‌تواند مدعی شود که از سازوکار چیزی مطلع است. برای مطلع بودن باید اطلاعات را فهمید، تحلیل و مرتب کرد. همچنین، برای اینکه چیزی را تبدیل به موضوعی برای دانش کنیم باید از آن اطلاع داشته باشیم و اینکه چرا آن موضوعی برای دانش است مبتنی بر اطلاعاتی است که از آن به دست می‌آوریم.

بنابراین، استاد علوم اجتماعی در موقعیت نوشتن سریع مبتنی بر دانش علوم اجتماعی اطلاعات را فهم و مرتب و تحلیل می‌کند. نوشتن سریع شکلی از اطلاعات گزاره‌ای است که سعی در پیشنهاد موقعیتی برای فکر دارند تا با چرایی‌های وضعیت اکنون پیوند بخورند. دانش علوم اجتماعی به اطلاعات شکل تجسم جامعه‌شناسانه را می‌دهد و موقعیت فهم و درگیر شدن و درک کردن اطلاعات را برای دریافت‌کنندگان فراهم می‌کند. از سوی دیگر، استاد علوم اجتماعی در زیستن معاصرش وقتی در برابر جریان اطلاعات قرار می‌گیرد ظرفیت یافتن موقعیت‌هایی را می‌یابد که امکان تبدیل شدن به موضوعی برای مطالعه را دارند. زیستن معاصر در وضعیت دیجیتال دارای پیوند «درون جریان» بین موقعیت دانش و اطلاعات است و به دنبالش زیست علمی و زیست دیجیتال درون یکدیگر تنیده می‌شوند و جریان پیدا می‌کنند.

نوشتن سریع موقعیتی است که اطلاعات را به دانش گزاره‌ای و پیشنهادی تبدیل می‌کند و این کارکرد از دانش علوم اجتماعی به سبب نبود فضازمانی برای اجرایش همواره در حالتی از پتانسیل، برای تاریخ میدان علوم اجتماعی، قرار داشته است.

"یادم هست که دوره سال ۱۳۸۸ بود فکر می‌کنم آن موقع یک رقابتی وجود داشت بین آقای کروی و آقای موسوی و احمدی نژاد و اینها که در انتخابات شرکت بکنند. [...] آن موقع یک یادداشتی نوشتم برای روزنامه اعتماد ملی [...] بعد تلفن زدم. یک خانمی برداشت از آن طرف خط گفتم من می‌خواهم یک یادداشت برای شما بفرستم در روزنامه منتشر بشود گفت تو کی هستی؟ گفتم محدثی هستم. خب نمی‌شناخت من کی هستم. گفت از کجا زنگ می‌زنی من گفتم که از فضای آزاد.... اداره‌ای چیزی نیست. گفتم من از فضای آزاد. یعنی من هم مثل آدم‌های دیگری خواهم یک چیزی براتون بفرستم و یک موقعیتی را بگویم. بعد گفت خب حالا بفرست، یک جوری برخورد کرد که من کلاً منصرف شدم. او وظیفه داشت بگوید که بسیار خب به این آدرس برای من بفرست یا هرچی. اما برخورد نشان می‌داد که این هم می‌رود در سطح آشغال و اینها. من دیگر گفتم چکار کنم، چکار نکنم به این فکر افتادم که یک وبلاگ شخصی داشته باشم و بروم در وبلاگ. وبلاگ‌نویسی راه افتاده بود و من نمی‌رفتم. ۲۰ روز ۲۵ روز مانده بود به انتخابات که در خرداد ماه بود. آنجا من فعالیت رسانه‌ایم در فضای مجازی شروع شد، خب سال‌ها وبلاگ‌نویسی کردم. دوبار وبلاگم بسته شد، بعد رفتم در یک پلتفرمی که بسته نشود. بعدها خب تلگرام آمد و اینها که من تلفن همراه نداشتم و در تلگرام نمی‌نوشتم. بالاخره تأکید کردند که باید بیایی در تلگرام و حیف است استفاده نکنی و این حرف‌ها بالاخره من هم آمدم تلگرام و بعد هم بحث اینستاگرام و اینها آمد که من هم وارد شدم. خب نگاه من این بود که در این رسانه‌ها یک رسانه شخصی است و تو

می‌توانی اندیشه خودت را بیان کنی و هرچه می‌خواهی، حالا اینجا هم ثبت می‌شود و دیگران می‌توانند بخوانند نظر بدهند و یک ارتباطی ایجاد می‌شود (حسن محدثی)."

حسن محدثی دربارهٔ رویدادی مانند انتخابات صحبت می‌کند که وقتی می‌خواهد پیرامون آن‌ها بنویسد و ایده پردازی کند فضاهایی که بتوانند موقعیت‌های نوشتن را برای او فراهم کنند، محدود می‌شوند. در اینجا محدثی در رویارویی با وضعیت اکنونش به هنگام انتخابات ریاست جمهوری بود. او می‌خواست از دانش علوم اجتماعی برای تولید اطلاعات استفاده کند تا امکان تولید دانش گزاره‌ای و پیشنهادی را، برای مخاطبان، دربارهٔ وضعیت اکنون انتخابات به وجود آورد. اما رسانهٔ چاپی و نظام نظارتی پیشاد دیجیتال از همان ابتدا از چاپ شدن نوشتاری که معاصریت استاد علوم اجتماعی را در بر دارد، جلوگیری می‌کنند.

نوشتن باهدف نشر دادن دربارهٔ وضعیت فضا زمان اکنون وقتی برای محدثی ممکن می‌شود که وارد موقعیت‌های نوشتاری دوران پساچاپ در وضعیت دیجیتال می‌شود. در نوشتن پساچاپ محدثی می‌تواند ایده‌هایش را آن‌گونه که می‌خواهد و معتبر می‌داند، سامان دهد و منتشر کند و همه‌چیز به مدیریت او بازمی‌گردد. حسن محدثی تجربهٔ رهایی بخشی در میل به بیانگری را به‌واسطهٔ حرکت به فضایی جدید تجربه و آزمایش می‌کند. بر این اساس، وضعیت دیجیتال موجب شده است تا تاریخ نوشتن در میدان علوم اجتماعی با موقعیتی متفاوت و جدیدی همراه شود. موقعیت نوشتن سریع کمک می‌کند تا استاد علوم اجتماعی شرایط تبدیل دانش علوم اجتماعی به دانش گزاره‌ای و پیشنهادی را فراهم کند. تولید دانش گزاره‌ای و پیشنهادی بر اساس اطلاعاتی است که تولید و مخابره می‌شوند و با حضور دریافت‌کنندگان به دانش جمعی دربارهٔ موضوعی تبدیل می‌شود. وضعیت دیجیتال در شدتی از معاصریت به سر می‌برد، زیرا توسط ماشین، هوش مصنوعی، و حسگرها جهان پیرامون مدام به اطلاعات تبدیل می‌شود. جهان دیجیتال منبعی بزرگ از ذخیرهٔ اطلاعات است و نسبت دانش و اطلاعات را پیچیده نموده است. هرچقدر اطلاعات بیشتری تولید و ذخیره می‌شود میزان تغییر مرزهای دانش شدیدتر و گسترده‌تر می‌شود. برای میدان علوم اجتماعی وضعیت دیجیتال ظرفیت متفاوتی از نوشتن را فراهم آورده که فاصلهٔ بین نوشتن و نشر از بین رفته است و آنچه نوشته می‌شود، نشر می‌یابد و با نشر آن دریافت می‌شود. پس سه‌گانه «نوشتن-نشر-دریافت» درون یکدیگر تنیده شده و جریان پیدا کرده‌اند و این رخدادی تکین در تاریخ موقعیت نوشتن در میدان علوم اجتماعی ایران است.

نتیجه‌گیری

مسئلهٔ اصلی مقاله بررسی موقعیت متفاوت و جدید نوشتن در میدان علوم اجتماعی ایران است که در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ پدیده آمده است. بنابراین، برای استاد علوم اجتماعی نوشتن از زندگی اجتماعی برای اجتماع، در وضعیت دیجیتال، چه موقعیت‌هایی را فعال کرده است؟ وقتی در ادبیات پژوهشی داخلی و خارجی جستجو می‌کنیم این پرسشی است که تبدیل به مسئله‌ای برای مطالعه نشده است. از این رو، ما به ادبیات پژوهشی نیاز داریم که بتواند جوانب مختلف نوشتن در وضعیت دیجیتال را برای میدان علوم انسانی و اجتماعی بررسی نماید. برای پاسخ به پرسش بالا، ما با تعدادی از استادان علوم اجتماعی که در شبکه‌های مجازی فعال هستند دربارهٔ نوشتن در این شبکه‌ها مصاحبهٔ عمیق کردیم. بر اساس تحلیل داده‌ها، موقعیت نوشتن در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ به‌مثابه جایگزینی برای نوشتار دانشگاه محسوب نمی‌شود، بلکه موقعیت جدیدی را برای ایجاد تجربه‌ای متفاوت از نوشتن فراهم آورده است. نوشتن در دوران پیشاد دیجیتال یا دوران چاپ برای استاد علوم اجتماعی در نوشتار دانشگاهی با کسب اعتبار علمی و مختص به دریافت‌کنندگان حرفه‌ای و محدود بود. اما اگر استاد علوم اجتماعی می‌خواست دربارهٔ زندگی اجتماع با اجتماع سخن بگوید باید به سراغ ستون‌های مطبوعات می‌رفت که باز فرایند چاپ و تکثیر و تمام شدن نسخه‌های چاپی از محدودیت‌های آن به شمار می‌رفت. البته نوع سومی از نوشتن هم برای استاد علوم اجتماعی وجود داشت که از نوع ترجمه در قالب کتاب یا مقاله در مجله‌های روشنفکری بود.

وضعیت دیجیتال به میدان علوم اجتماعی موقعیتی جدید از نوشتن را معرفی کرد که ما آن را نوشتن سریع و تجسمی نامیدیم. نوشتن سریع و تجسمی برآمده از ماهیت زیستن معاصر و معاصریت در جامعهٔ اطلاعاتی و وضعیت دیجیتال است. وضعیت دیجیتال شبکه‌ای از نیروهای انسانی و غیرانسانی است که درهم‌تنیده شده‌اند. وضعیت دیجیتال در شتابی از تولید و چرخش و مصرف اطلاعات است و اطلاعات در قالب فایل‌های مختلفی تولید می‌شوند که برای آن‌ها نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌ها به وجود آمده‌اند. در وضعیت دیجیتال نوشتن سریع شکلی از تولید اطلاعات است که دانش گزاره‌ای و پیشنهادی را در قالب فایل نوشتار تولید و مخابره می‌کند.

نوشتن سریع امکان می‌دهد تا تجسم جامعه‌شناسانه از وضعیت اکنون به دست آید. استاد علوم اجتماعی در ریتمی همگام با ریتم جریان‌های حرکت نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون امکان نوشتن سریع را پیدا کرده است. نوشتن سریع برآمده از تأثیر استاد علوم اجتماعی از موقعیت زندگی معاصرش در وضعیت دیجیتال است. مسئولیت نوشتن سریع برای استاد علوم اجتماعی اعتبار زیست معاصر او را نشان می‌دهد و دانش علوم اجتماعی را به تولید اطلاعات برای جمعیتی انبوه و متکثر ممکن می‌کند و از آن امکان‌های تولید دانش دربارهٔ وضعیت اکنون برای دریافت‌کنندگان فراهم می‌شود.

نوشتن، نشر، و دریافت سه موقعیت درهم‌تنیده شده‌اند که فاصله‌های تبدیل‌شدن آن‌ها به یکدیگر بسیار کوتاه شده یا از بین رفته‌اند. بنابراین، موقعیت جدید نوشتن سریع امکانی است که استاد علوم اجتماع به‌واسطهٔ آن عاملیت معاصریت‌اش را به جریان می‌اندازد و با زندگی اجتماعی پیوند می‌خورد. موقعیت نوشتن برای استاد علوم اجتماعی واسطه‌ای است که او دانش و اطلاعات را به متنی برای تبیین وضعیت اکنون تبدیل می‌کند. موقعیت نوشتن واسطه‌ای حرفه‌ای است که استاد علوم اجتماعی را در رسالت برقراری پیوندی منحصربه‌فرد با زندگی اجتماعی می‌دهد. اما در دوران پیشاد دیجیتال فصلنامه‌های علمی پژوهشی، کتاب‌ها، و ستون مطبوعات محلی و مکانی برای اجرا کردن موقعیت نوشتن بودند که در همهٔ آن‌ها فاصله‌ای بین نوشتن و نشر و دریافت آن توسط مخاطب وجود داشت. بنابراین، امکان تولید موقعیت نوشتن به‌مثابه رسالتی در برابر جریان ریتم حرکت نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون و رخدادهایش وجود نداشت.

در وضعیت دیجیتال پتانسیل تولید موقعیت نوشتن به‌مثابه رسالتی در برابر جریان ریتم حرکت نیروهای شکل‌دهندهٔ فضا زمان اکنون و رخدادهایش به اجرا درآمده است. استاد علوم اجتماعی در هر فضازمانی می‌تواند به‌واسطه ماشینی مانند تلفن همراه آنچه را در اکنونش دریافت می‌کند تبدیل به اطلاعات از نوع دانش گزاره‌ای و پیشنهادی کند. اطلاعات نوشته‌شده مخابره و منتشر می‌شوند و دریافت‌کنندگان که دنبال کننده استاد علوم اجتماعی هستند آن‌ها را به‌طور خودکار دریافت می‌کنند. در تنیدگی فرستادن و دریافت اطلاعات امکان تولید دانش جمعی و تأثیر بر میزان آگاهی و احساسات جمعی به وجود آید؛ دانشی که از نوع گزاره‌ای، پیشنهادی، و دربارهٔ چرایی‌هایی وضعیت اکنون است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- Agamben, G. (2009). *What is an Apparatus?* California: Stanford University Press.
- Amir-Ebrahimi, M. (2008). Transgression in Narration: The Lives of Iranian Women in Cyberspace. *Journal of Middle East Women's Studies*, 4(3), 89-118. <https://doi.org/10.2979/mew.2008.4.3.89>
- Barad, K. (2014). Diffracting Diffraction: Cutting Together-Apart. *Parallax*, 20(3), 168-187. <https://doi.org/10.1080/13534645.2014.927623>
- Bart, M. (2009). Twitter in higher education: More than 30 percent of faculty say they tweet. *Faculty Focus*, 28. https://scholar.google.com/scholar?q=related:fx-B2qMKH_4J:scholar.google.com/&scioq=Twitter+in+Higher+Education:+More+than+30+Percent+of+Faculty+Say+They+Tweet.+&hl=en&as_sdt=0,5

- Bergson, H. (2014). *Time and free will: An essay on the immediate data of consciousness*. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315830254/time-free-bergson-henri>
- Blackman, L., & Venn, C. (2010). Affect. *Body & Society*, 16(1), 7-28. <https://doi.org/10.1177/1357034X09354769>
- Braidotti, R. (2006). Posthuman, All Too Human: Towards a New Process Ontology. *Theory, Culture & Society*, 23(7-8), 197-208. <https://doi.org/10.1177/0263276406069232>
- Braidotti, R., & Fuller, M. (2019). The Posthumanities in an Era of Unexpected Consequences. *Theory, Culture & Society*, 36(6), 3-29. <https://doi.org/10.1177/0263276419860567>
- Clough, P. T. (2008). The Affective Turn: Political Economy, Biomedicine and Bodies. *Theory, Culture & Society*, 25(1), 1-22. <https://doi.org/10.1177/0263276407085156>
- Deleuze, G. (1995). *A portrait of Foucault*. In *Negotiations*. Columbia University Press.
- Deleuze, G., & Guattari, F. (2005). *A Thousand Plateaus, Capitalism and Schizophrenia* (B. Massumi, Trans.). University of Minnesota Press.
- Floridi, L. (2012). Semantic information and the network theory of account. *Synthese*, 184(3), 431-454. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11229-010-9821-4>
- Golkar, S. (2015). Student activism, social media and authoritarian rule in Iran. In *The whole world is texting* (pp. 61-79). Brill. <https://brill.com/downloadpdf/book/edcoll/9789463000550/BP000005.pdf>
- Greenson, J. K. P., An, S., Xue, J., Thompson, A. E., & Guo, C. (2018). Tweeting Social Justice: How Social Work Faculty Use Twitter. *The British Journal of Social Work*, 48(7), 2038-2057. <https://doi.org/10.1093/bjsw/bcx146>
- Haraway, D. (2013). A cyborg manifesto: Science, technology, and socialist-feminism in the late twentieth century. In *The transgender studies reader* (pp. 103-118). Routledge. <https://api.taylorfrancis.com/content/chapters/edit/download?identifierName=doi&identifierValue=10.4324/9780203955055-10&type=chapterpdf>
- Hayles, N. K. (2021). *Postprint*. Columbia University Press. <https://doi.org/doi:10.7312/hayl19824>
- Hull, K., & Dodd, J. E. (2017). Faculty use of Twitter in higher education teaching. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 9(1), 91-104. <https://doi.org/10.1108/JARHE-05-2015-0038>
- Hussey, J. (2011). Twitter in higher education: From application to alumni relations. In L. A. Wankel & C. Wankel (Eds.), *Higher Education Administration with Social Media* (Vol. 2, pp. 249-272). Emerald Group Publishing Limited. [https://doi.org/10.1108/S2044-9968\(2011\)0000002016](https://doi.org/10.1108/S2044-9968(2011)0000002016)
- Jeanes, E. L. (2006). 'Resisting Creativity, Creating the New'. A Deleuzian Perspective on Creativity. *Creativity and Innovation Management*, 15(2), 127-134. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8691.2006.00379.x>
- Kazemi, A. (2021a). The Genesis of Academic Influencers in Iran. *4 Research on Iranian Social Issues*, 4(1), 1-33.
- Kazemi, A. (2021b). *Travelling theories*. Agar Press.
- Kharman Shah, A., & Cox, A. M. (2017). Uncovering the scholarly use of Twitter in the academia: Experiences in a British University. *Malaysian Journal of Library and Information Science*, 22(3), 93-108. <https://doi.org/10.22452/mjlis.vol22no3.6>
- Kushner, S. (2013). The freelance translation machine: Algorithmic culture and the invisible industry. *New Media & Society*, 15(8), 1241-1258. <https://doi.org/10.1177/1461444812469597>
- Mahmoudi, B. (2021). *Studying of Iranian university faculty members' identity performance on Instagram*. Institute of Social and Cultural Studies.
- Massumi, B. (2002). *Parables for the Virtual*. Durham: Duke University Press.
- Mingers, J., & Standing, C. (2018). What is Information? Toward a Theory of Information as Objective and Veridical. *Journal of Information Technology*, 33(2), 85-104. <https://doi.org/10.1057/s41265-017-0038-6>
- Mitcham, C. (2004). Philosophy of Information Technology. In *The Blackwell Guide to the Philosophy of Computing and Information* (pp. 327-336). <https://doi.org/10.1002/9780470757017.ch25>
- Robinson, B., & Kutner, M. (2018). Spinoza and the Affective Turn: A Return to the Philosophical Origins of Affect. *Qualitative Inquiry*, 25(2), 111-117. <https://doi.org/10.1177/1077800418786312>
- Ruddick, S. (2010). The Politics of Affect: Spinoza in the Work of Negri and Deleuze. *Theory, Culture & Society*, 27(4), 21-45. <https://doi.org/10.1177/0263276410372235>
- Said, E. W. (2000). *Traveling theory reconsidered*. na. <https://www.degruyter.com/document/doi/10.1515/9780804766555-015/pdf?licenseType=restricted>
- Sawyer, M. E. (2018). Post-truth, social media, and the "real" as phantasm. *Relativism and post-truth in contemporary society: possibilities and challenges*, 55-69. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-96559-8_4
- Sivle, A. D., & Uppstad, P. H. (2018). Reasons for relating representations when reading digital multimodal science information. *Visual Communication*, 17(3), 313-336. <https://doi.org/10.1177/1470357218763330>
- St. Pierre, E. A. (2021). Why Post Qualitative Inquiry?. *Qualitative Inquiry*, 27(2), 163-166. .
- Stenner, P. (2017). *Liminality and experience*. . Palgrave Macmillan.
- Taheri Kia, H. (2020). *Bio-digital in crisis of Covid-19 pandemic in Iran: An analysis of social networks of Telegram, Tweeter, and Instagram*. Institute of Social and Cultural Studis.



- Taheri Kia, H. (2021a). *Cultural Studies, quantum field, and post-qualitative method*. Logos press.
- Taheri Kia, H. (2021b). *Digital situation and system of knowledge*. Tehran: Institute of Social and Cultural Studies press.
- Thompson, G. (2020). *Post-Truth Public Relations*. <https://doi.org/10.4324/9780429429125>
- Uricchio, W. (2011). The algorithmic turn: photosynth, augmented reality and the changing implications of the image. *Visual Studies*, 26(1), 25-35. <https://doi.org/10.1080/1472586X.2011.548486>
- Veletsianos, G. (2012). Higher education scholars' participation and practices on Twitter. *Journal of Computer Assisted Learning*, 28(4), 336-349. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2729.2011.00449.x>
- Withead, A. N. (1987). *Process and Reality: An Essay in Cosmology*. . The Free Press.
- Wolfe, C. (2010). *What is posthumanism?* (Vol. 8). U of Minnesota Press. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=hb1ErdEer8YC&oi=fnd&pg=PR7&dq=What+Is+Posthumanism%3F.+&ots=zFmCr9IMRZ&sig=JSi2pb0pGvogbeo0fsppk3v4iyw>